

غربی، اما نه غریبه



○ سیدعلی کاشفی خوانساری

○ تصوف چیست؟

○ مارتین لینگز

○ مترجمان: مرضیه (لوئیز) شنکایی و علی

مهدی زاده

○ مدحت، چاپ اول: ۱۳۷۹

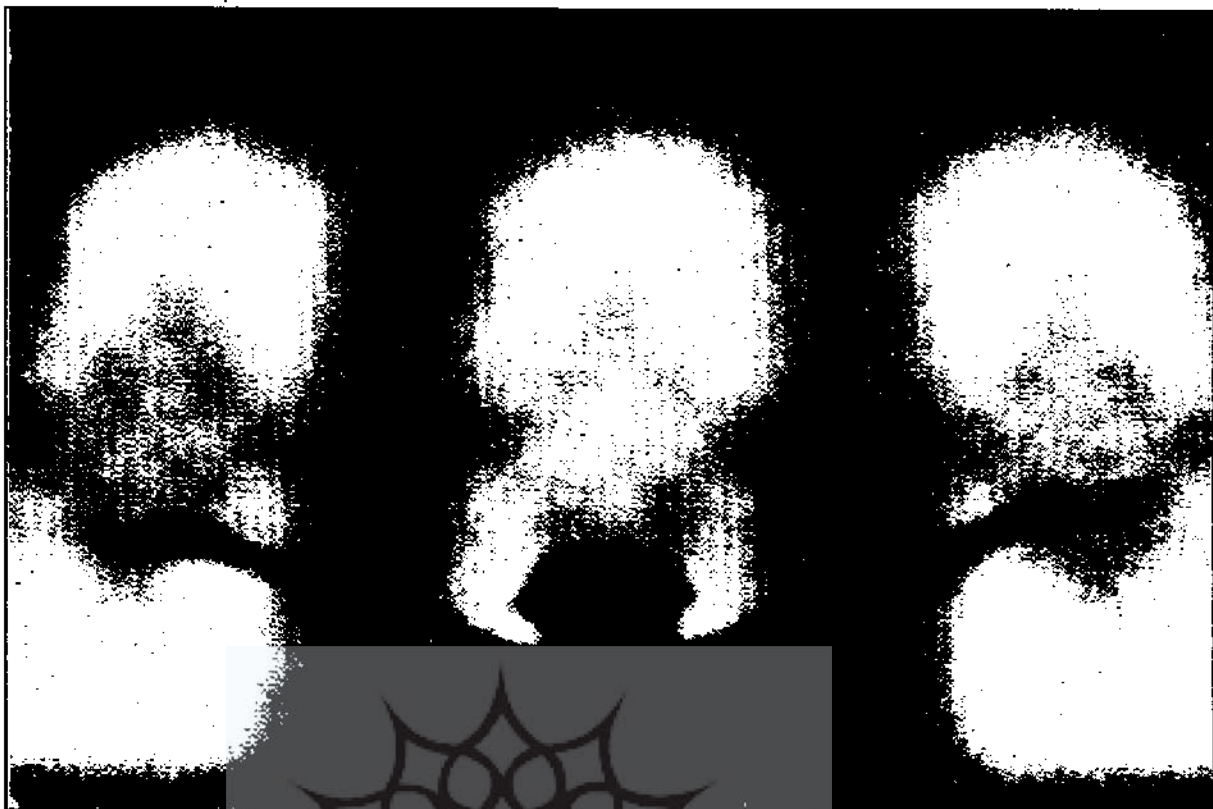
کتاب درج شده است.

نویسنده تصوف را «شیوه سلوک و فن انضباط و دانش غوطه‌ور شدن در یکی از این امواج [تجلی وحی] و بازگشت با آن به سوی سرچشمه ازلی و ذات لایتناهی» تعریف می‌کند و براساس این تعریف به برخی عناصر پایه در نظام تفکر و شیوه عملی تصوف و برخی ویژگیهای آن اشاره می‌کند. قبل از اظهار نظر درباره مطالب کتاب توجه به یک نکته ضروری است، به چه دلیل کتابی که یک نفر غربی درباره فرهنگ و عقاید و طرائق اسلامی نوشته می‌تواند برای ما مفید، ارزشمند یا جالب باشد و به بیان دیگر ترجمه چنین کتابهایی چه فایده و یا ضرورتی دارد؟ پاسخهای محتمل از این قرارند: ۱- شناخت اینکه دیگران (غربی‌ها) به عنوان تحلیل‌گران بیرونی که با نگاهی علمی و روشمند و احتمالاً بدون پیش‌داوری‌های ذهنی، تاریخی، اعتقادی یا مسئله روبرو شده‌اند چه تحلیل و برداشتی از مسئله بومی ما داشته‌اند و چنین برداشتها و تحلیل‌هایی بی‌گمان در شناخت دقیق‌تر و همه‌جانبه ما می‌تواند موثر باشد. ۲- ممکن است ارزش کتاب برخاسته از نحوه بیان و شکل آرایه آن باشد. به این ترتیب که مسئله‌ای کهن، پیچیده و غیرجذاب را به شکلی ساده، شیرین و تازه، متناسب با

براستی تصوف چیست؟ این پرسشی است که برحسب پرسشگر و پاسخگوی آن، پاسخهایی بسیار متفاوت و متنوع خواهد داشت. با کدام دیدگاه و یا رویکرد و از کدام منظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اعتقادی، فلسفی و... این پرسش مطرح شده و کدام تصوف در کدامین بازه تاریخی و جغرافیایی مدنظر بوده است؟ به این دلیل این گستردگی و پیچیدگی صدها کتاب از قرن‌ها پیش با هدف ایضاح این مبحث نگاشته شده است.

کتاب مورد بررسی ما را مارتین لینگز نوشته است. بنابر معرفی ناشر او در کشور لیتوانی دکترای زبان انگلیسی گرفته به سال ۱۹۳۹ به مصر آمده و مدرس دانشگاه قاهره شده و مقالات و کتب فراوانی درباره تصوف و دین نوشته است. با این حال حقیر تنها کتابی که از وی به زبان فارسی به یاد می‌آورم کتاب عارفی از الجزایر درباره یکی از شیوخ معاصر تصوف است. نویسنده در این کتاب سعی کرده به نوبه خود به معرفی تصوف و شرح چستی آن بپردازد. فصول کتاب به ترتیب عبارتند از: اصالت تصوف، جهانشمولی تصوف، کتاب، پیامبر، قلب، آموزه عرفان، راه و روش، انحصاری بودن تصوف، تصوف در طول قرون. پس از آن یادداشتها و نمایه





پیچیدگی‌های لفظی و معنایی، ابهام و ابهام و متناقض‌نمایی‌های (Paradox) عارفانه است. مترجمان در مقدمه کوتاه خود تصریح کرده‌اند که «شیوه نگارشی که در نوشتار خود به کار می‌برد به سبک قدیم زبان انگلیسی نزدیک‌تر است تا به شیوه روان و ساده امروزی. این مسئله ترجمه کتابهای وی را به زبانهای دیگر با مشکل روبه‌رو می‌کند. کتاب حاضر نیز از این امر مستثنی نبوده است و روش خاص و بسیار پیچیده‌ای که در تلویح این کتاب به کار برده، به دنبال مفاهیم معنوی و روحانی مشروح در آن، ترجمه‌ای نه چندان روان را به دنبال داشته است.» به عبارتی نویسنده عملاً دانسته یا نادانسته در نثر و لحن و بیان خود به تقلید از متون کهن و سنتی تصوف پرداخته است.

هدف نویسنده آرایه کتابی از سنخ گزینه سوم هم نبوده است. او در این کتاب به شرح زندگی خود و اینکه چگونه با تصوف آشنا و به آن علاقه‌مند شد نپرداخته است. اما اشاراتی که گهگاه در میان فصول کتاب به برداشت شخصی نویسنده از برخی مفاهیم شده است جالب و خواندنی است. باور عمیق قلبی یک مدرس دانشگاهی غربی به برخی باورها که امروزه به دلیل یوزیتیوسم و رسوخ مدرنیته در تمامی ساحات زندگی و رواج علم‌گرایی و عقل‌گرایی افراطی و آرایه تفسیر دنیوی، سیاسی - اجتماعی و ناسوتی از دین در شرق هم کیمیا و نادر است، واقعاً شگفت‌آور و قابل احترام است. او بدون هیچ تردید، لکنت و نگرانی ظاهری و باطنی از عوالم معنوی و جهان روح و فوق ماده و از جبروت و ملکوت و آخرت سخن می‌گوید و ایمان سرشار او از خلال نوشته‌هایش آشکار است. آشنایی و درک او از تصوف مستقیم و بلاواسطه است. او با صوفیان آفریقایی دیدار کرده و از زبان ایشان، اعتقادات صوفیانه را آموخته است. مثلاً آنجا که او به تشریح سخت‌گیرانه بودن تصوف و دفاع از این سخت‌گیرانگی می‌پردازد برای ما که از خلال نگاه مستشرقین با متون صوفیانه خود آشنا شده‌ایم و تساهل و تسامح را از اصول تصوف می‌بنداریم عجیب و نآشناست.

نویسنده با ایمانی راسخ و با صداقت از تصوف سخن می‌گوید اما شیفتگی او سبب می‌شود در آرایه متنی علمی و تشریحی ناتوان باشد و

زندگی و دنیای امروز و برای خوانندگان امروزی بیان کرده باشند. ۳- ممکن است کتاب شرح تجارب شخصی یک نفر (بیگانه) باشد که طی سیر و سلوک و مطالعات فردی به یک مقوله شرقی علاقه‌مند و دلبسته شده (مثل اسلام، تصوف، ادب فارسی، هنر شرقی و...) و شرح این تجربه و نگاه شخصی به دلیل صمیمیت، خاص بودن و تازگی، جالب و خواندنی باشد.

حال به کتاب مورد بررسی باز می‌گردیم. این کتاب از کدام سنخ کتب است. آیا یک تحقیق علمی و دانشگاهی و متنی دائرةالمعارف‌گونه است که به طور روشن و خلاصه عناصر فکری، سیر تاریخی، گونه‌های اعتقادی و اجتماعی و سایر دانستنی‌های لازم تصوف را به شکلی منظم و روشمند بیان کرده است؟ پاسخ منفی است. گرچه کتاب با نوعی فضل‌بندی خاص دیدگاه‌های خود را به شکلی روشمند بیان کرده اما نمی‌توان آن یک کتاب مرجع و جامع با هدف پاسخگویی به پرسشهای فرهنگنامه‌ای دانست که با بی‌طرفی و بی‌غرضی بدون جانبداری یا کین‌ورزی به شرح عناصر و ویژگیهای عینی یک مقوله بپردازد. این نویسنده را نباید یک محقق، شرق‌شناس و مدرس دانشگاهی غربی به حساب آورد. او مسلمان شده، زندگی در یک کشور اسلامی را برگزیده، به یکی از طرائق صوفیه سرسیرده و با شیفتگی، شور و شوریدگی به دفاع و تبلیغ تصوف می‌پردازد. درحقیقت بیش از آنکه هدف او معرفی تصوف به شکلی روشن و علمی برای مردم عادی و عموم باشد، پاسخگویی به برخی منتقدان و مفسران تصوف در غرب را منظور نظر دارد.

ریشه‌ها و خاستگاه تصوف، بزرگان تصوف، زندگی، عقاید و آثار آنها، عقاید پایه تصوف، نسبت تصوف با شریعت و مذاهب، فرق صوفیان و خصایص و تمایزات ایشان، آداب، مناسک و مظاهر تصوف، اطلس تاریخی و جغرافیایی و طبقه‌بندی و سلسله‌شناسی تصوف، مخالفان و منتقدان مختلف تصوف و آراء ایشان و دلایشان و... موضوعاتی است که در کتاب حاضر پاسخ یا اشاره‌ای به آنها نمی‌توان یافت.

گزینه دوم نیز اساساً منفی است. هدف کتاب آرایه متنی ساده، جذاب و همه فهم نبوده و متن آرایه شده مشابه متون سنتی تصوف لبریز از



اغراق و جانبداری و هیجان نویسنده به متن آسیب بزند. او تمام آیات قرآن درباره بندگان صالح و متقی و نیکوکار و السابقون را در وصف صوفیان تعبیر می‌کند و برای این باور استدلال و حجتی ارائه نمی‌کند. حال آنکه برخی مخالفان صوفیان (باز هم بدون استدلال کافی) هر جا سخن از ضالین و غلوین ... آمده صوفیان را مراد کرده‌اند. درحقیقت همچنان که بی‌انصافی است اگر جریان تاریخی و فرهنگ تصوف را در سیر تمدن و عرفان اسلامی منکر شویم، اگر عرفان و سلوک اسلامی را منحصر و محدود به سنت تصوف بدانیم نیز به بیراهه رفته‌ایم.

نویسنده در پس آنکه به معرفی و شرح برخی پایه‌های اعتقادی تصوف همچون قرآن، پیامبر، باطن، ذکر، نماز و ... می‌پردازد، دو مدعای دیگر هم دارد که روی سخن او یا برخی شارحان اروپایی تصوف است. اولاً اصرار دارد که تأکید کند ریشه تصوف در اسلام است و آنها که تصوف را مقوله‌ای فرادینی، فرامذهبی و جهانی معرفی می‌کنند و یا برای آن ریشه‌های یهودی، مسیحی، زردشتی، هندویی و بودایی ذکر می‌کنند رد می‌کند.

دوم اینکه به نظر او تصوف پل شرق و غرب و راه رسیدن به جهانی یکدل و یکرنگ است. نکته جالب دیگر اینکه او این اصل بدیهی پنداشته شده را که غرب پیشرفته‌تر از شرق است رد می‌کند و مدعی است که در موضوع اصلی رقابت یعنی سعادت اخروی شرق بسیار موقتر و پیشرفته‌تر است.

فصل آخر کتاب «تصوف در طول قرون» که از مباحث نظری فاصله می‌گیرد و به آرایه تاریخ فشرده تصوف از ابتدا تا به امروز می‌پردازد محل بحث و انتقادی جدی است. نویسنده به معرفی عرفای نامی قرون اولیه می‌پردازد و این کار را همراه با ضعف و نقصهایی تا قرون پنج و شش ادامه می‌دهد و پس از آن عملاً تاریخی که او ارائه می‌کند بیشتر نسب سلسله طریقتی شخصی اوست (طریقت ساذلی، شاخه‌های در قاوی و عیسویه) و نه تصویر جامعی از جهان تصوف. او تقریباً هیچ اطلاعاتی از پراکندگی جغرافیایی تصوف در خاور دور، شبه‌قاره هند، آسیای میانه، خاورمیانه، آسیای صغیر و قفقاز، بالکان و آفریقای شرقی و مرکزی ندارد. او بسیار گذرا اطلاعات ناقصی از قادریه، چشتیه و مولویه ذکر می‌کند و شگفت‌آور اینکه از طرائقی مثل نقشبندیه، کبرویه، رفاعیه، سهروردیه، نعمت‌اللهیه، خاکساریه، بکتاشیه، ذهبیه، کمیلیه، اویسیه، حتی نام نمی‌برد (از فرقه‌های بزرگی که در طول تاریخ وجود داشته‌اند و امروز اثری از آن‌ها نیست و از زیرشاخه‌های طرائقی فعلی می‌گذریم) و این مسئله اگر در مورد طرائقی که بیشتر در ایران، خاورمیانه و شبه‌قاره نمود دارند پذیرفتنی باشد و در مورد رفاعیه که با آن گستردگی در آفریقا قابل مشاهده است واقعاً تعجب‌آور است.

در مورد ترجمه کتاب گفتنی است که مترجمان با کوششی درخور معادلهای مناسب و رسایی برای واژه‌های انگلیسی از میان لغات و اصطلاحات تصوف به زبان فارسی یافته‌اند. جا داشت که نویسنده کتاب بیشتر معرفی می‌شد. مشخص نیست پانویست‌ها و پی‌نوشت‌های کتاب از نویسنده است یا مترجمان و ظاهراً به تمامی نوشته نویسنده است و

مترجمان کمتر شرحی از خود بر کتاب افزوده‌اند که البته این امر ضروری بود. از تنها مواردی که مترجم شرحی بر کتاب افزوده در پاورقی صفحه ۸۶ است که تأکید می‌کند آنچه نویسنده از واجبات اسلام نام برده تنها نظر شخصی اوست. مثلاً آنجا که نویسنده کتاب «دلائل الخیرات» (کتاب ادعیه گروهی از صوفیان ساذلی) را به عنوان پرخواننده‌ترین و رایج‌ترین کتاب در جهان اسلام پس از قرآن نام می‌برد (ص ۱۳۱)، توضیحات و تصحیح مترجم ضروری می‌نمود و یا آنجا که مدعی می‌شود نسب صوفیان به خلیفه اول و چهارم (امیرالمؤمنین علی (ع)) می‌رسد (ص ۱۸۴) توضیح مترجم واجب می‌نمود که حداکثر ۱۰٪ صوفیان جهان مدعی انتساب به خلیفه اول هستند و مابقی از طریق حسن بصری، کمیل بن زیاد، اویس قرنی، سلمان فارسی و امام حسن مجتبی (ع) به امیرالمؤمنین منسوبند و برخی دیگر همزمان از طریق ابراهیم ادهم به امام سجاد (ع) و یا از طریق فضیل عیاض و یازید بسطامی به امام صادق (ع) یا از طریق بشرحافی به امام موسی بن جعفر (ع) و یا از طریق معروف کرفی به امام رضا (ع) منسوبند. بعلاوه برخی محققان معتقدند در مورد آن ده درصد نیز اشتباه و یا تحریف تاریخی روی داده و محمدبن ابی‌بکر طریقت خود را از پیشوا و محبوبش علی (ع) گرفته است و نه پدر ظاهری‌اش. دیگر آنکه نویسنده به تقبیح رفتار ضدصوفیانه آتاتورک می‌پردازد اما در همانجا سعی می‌کند بدون هیچ توجیه منطقی اقدامات مشابه وهابیان را متفاوت و کم‌عیب‌تر نشان بدهد (ص ۱۳۱) که نیاز به تشریح و توضیح مترجمان احساس می‌شود. ضمناً در پاورقی صفحه ۱۳۳ (به قلم نویسنده) چنین می‌خوانیم: «... قبر عبدالقادر در کنار دجله پس از حرم پیامبر (ص) و سایر معصومین، پرزائرترین آرامگاه در اسلام است» که قاعدتاً باید عبارت «و سایر معصومین» از مترجمان باشد و نه نویسنده و ضمناً جا داشت مترجمان یادآور می‌شدند که عبدالقادر گیلانی خود از سادات علوی و از پدر حسنی و از مادر حسینی است.

نکته دیگر در زمینه ترجمه، به ترجمه آیات قرآن برمی‌گردد. ظاهراً مترجمان به ترجمه عبارت انگلیسی که نویسنده در ترجمه آیات ذکر کرده بسته کرده‌اند و به سراغ ترجمه‌های معتبر فارسی نرفته‌اند. جا داشت با اعلام یک ترجمه قرآن به زبان فارسی به عنوان ترجمه مبنا کلیه آیات براساس آن ترجمه می‌شد (مثلاً ترجمه رشیدالدین میبدی که رنگ صوفیانه دارد یا ترجمه‌های دیگر) گاه در رسم‌الخط آیات قرآن هم سهوهایی صورت گرفته است مثلاً در صفحه ۴۹ «فسیوتیه» به صورت «فسیتیه» نوشته شده است. همین‌طور در مورد ترجمه کلمات قصار، شطحیات و اشعاری که از صوفیان بزرگ نقل شده تنها به ترجمه از عبارت انگلیسی اکتفا شده حال آنکه جا داشت اصل آن به زبان فارسی یا عربی جستجو و نقل می‌شد.

به هر حال کتاب حاضر با همه ویژگی‌هایی که ذکر شد متنی خواندنی و مفید برای علاقه‌مندان به ادبیات عرفانی و ترجمه آن برای اهل فن و دوستداران معتتم است.

